

■ داستان فیلم «حکایت دریا» روایت زندگی نویسنده‌ای از جامعه روشنفکری است چقدر در ساخت موسیقی این فیلم سعی کردید فضای روشنفکری ذهن نویسنده را بازگو کنید؟

من نه تنها در رابطه با این فیلم بلکه در اغلب فیلم‌هایی که ساخت موسیقی‌شان را برعهده می‌گیرم برای شخصیت اصلی داستان، موسیقی می‌نویسم. در فیلم «حکایت دریا» هم من برای کاراکتر اصلی یعنی طاهر (بهمن فرمان آرا) موسیقی نوشته‌ام. برای من شغلش مهم نبوده که نویسنده است یا شاعر یا مهندس یا پزشک، این شخص به واسطه از دست دادن دوستان و نزدیکانش دچار تنهایی شده و در تنهایی خودش فاصله بین واقعیت و خیال را نمی‌فهمد. برای من این حس همانند دریاست که با خیره شدن به امواج مرز بین واقعیت و وهم درهم فرو می‌رود. دراین داستان همین گونه است ما دوبارمی ببینیم که طاهر به سمت دریا می‌رود فرقی نمی‌کند او چکاره است بلکه تنهایی ای دارد که فقط باید به سمت دریا برود که دریا او را بخود ببرد. البته این به‌صورت ناخودآگاه در فیلم آمده است. درواقع من شخصیت و تنهایی طاهر و اتفاقاتی که در زندگی‌اش افتاده بود، بدی‌هایی که به خانواده و دیگران کرده و عواقبی را که خودش دچار شده بود با موسیقی بیان کردم. من تا آنجایی که توانستم سعی کردم بدون قضاوت طاهر، فقط کاراکترش را بفهمم و درک کنم و برای تنهایی طاهر موسیقی بنویسم که قطعا این موسیقی پرتلاطم و آرام، درونی و عمیق عین حکایت دریاست.

■ شما اشاره کردید که برای کاراکتر طاهر در فیلم «حکایت دریا» موسیقی ساخته‌اید. این شخص درگیر بیماری شیزوفرنی است. با توجه به وجود موسیقی درمانی می‌توان گفت در سازبندی یا بخش‌هایی از موسیقی گزری به موسیقی‌هایی زبید که می‌توانند نقش درمانی داشته باشند؟

به هیچ‌وجه به بعد درمانی داستان فکر نکردم و بعید می‌دانم یک موزیسین معمولی مثل من توانایی این را داشته باشد که بتواند از موسیقی برای درمان استفاده کند. در داستان این فیلم، طاهر درگیربیماری شیزوفرنی است که این بیماری تنهایی را با خود به همراه دارد. در سکانس‌هایی از فیلم وقتی همسرش به او می‌گوید فلانی چندسال پیش مرد حتی نمی‌خواهد بپذیرد و دنیای واقعی را ببیند. گویی رفتن به دنیای خیال برایش یک نوع فرار از واقعیت است. آنقدر تحمل واقعیت برایش سنگین است که وارد تخیلات می‌شود و به‌جایی می‌رود که تنهاست یعنی تنهایی را قبول می‌کند برای اینکه نمی‌خواهد واقعیت را بپذیرد. من می‌دانستم این کاراکتر شیزوفرنی است ولی به هیچ‌وجه از این دیدگاه نکردم چون در آن صورت قضاوت نمی‌کردم. به‌نظرم وقتی عنوان می‌شود که شخصی بیمار است ناخودآگاه برچسبی به آن چسبانده می‌شود و دیگر از آن منظر به او نگاه می‌کنیم نه از منظر انسانی.

■ تنهایی طاهر و امثال او را چگونه با موسیقی بیان کردید؟ آیا سازبندی خاصی استفاده کردید؟ البته یک جامه‌ای از فیلم موسیقی سولو با ویلنسل می‌شنویم اما آن چیزی که برآمده از ذهن شما در

این روزها که شرایط کرونا بر اکران عمومی فیلم‌های سینما حاکم است دو فیلم «حکایت دریا» و «بنفشه آفریقایی» اکران آنلاین شدند.

خط مشترک این دو فیلم حضور پیمان یزدانیاں در جایگاه آهنگساز است. یزدانیاں توانسته این تنهایی کاراکتر طاهر را با بازی بهمن فرمان آرا که کارگردان فیلم «حکایت دریا» هم هست با موسیقی اش بیان کند. موسیقی که گاه سولو و گاهی ارکسترال است. فیلم سینمایی «حکایت دریا» آخرین ساخته بهمن فرمان آرا در مقام کارگردان است که خودش در نقش طاهر در کنار بازیگرانی چون علی نصیریان، فاطمه معتمدآریا، الیا حاتمی، علی مصفا، رویان نونالی، صابر ابر، داریوش اسدزاده و پانته آ پناهی‌هایه ایفای نقش نیز پرداخته و سعی کرده در روند داستان به درگذشت بزرگان موسیقی، ادبیات و سینما همچون جلیل شهناز، پرویز یاحقی، عباس کیارستمی، هوشنگ گلشیری و... که نقش ماندگاری در تاریخ هنر کشورمان داشته‌اند، اشاره کند. او در موسیقی فیلم «بنفشه آفریقایی» به کارگردانی مونا زندی سعی کرده شخصیت اصلی یعنی فریدون را با موسیقی اش بیان کند. پیمان یزدانیاں برای فیلم کارگردان‌های تأثیرگذار سینمای ایران همچون مسعود کیمیایی، عباس کیارستمی و رسول ملاقلی‌پور موسیقی ساخته و در کارنامه هنری او جوایز متعدد هنری و تولید آلبوم موسیقی دیده‌می‌شود.

سحر طاعتی خبرنگار

وقتی دردانک می‌شود که انسان احساس کند که دیگر کسی را ندارد. بنابراین آن چیزی که باعث رنج و آزار طاهر می‌شود چنین تنهایی دردانکی است. وقتی در کنار دوستانش بود لذت می‌برد و وقتی نبود احساس نمی‌کرد تنهاست چون باز با حس بودنشان خوش بود در حالی که طاهر با طاهرها از یک چیز دیگری رنج می‌برد که آن مرگ است. درواقع طاهر نمی‌تواند بپذیرد که دوستانش می‌میرند و خودش هم درحال مردن است. شیوه موسیقی نوشتن من اینگونه است که در ذهن و قلب با فیلم، تصاویر و شخصیت‌ها معاشرت می‌کنم آنقدری که می‌توانم با کارگردان ساعت‌ها درباره‌شان بحث کنم. در فیلم خوک (ساخته مانی حقیقی) حسن می‌بیند موسیقی و چشود دارد. همانطور که گفتید سازهای سولو بیشتر یک ویلنسل است این ساز نه اینکه کاراکتر طاهر باشد بلکه نشانه تک بودن و تنها بودن است درحالی‌که سازهای زهی که در موسیقی وارد می‌شوند نشان از جمع دارند ولی ازهمان جنس. انگار ویلنسل قطره است و سازهای زهی دریا هستند همانند قطره‌ای که از دریا آمده، جان‌مده و دوباره به دریا برمی‌گردد. معتقدم تنها بودن آدم‌ها به ذات، چیزدیی نیست برای اینکه ما تنها به دنیا می‌آییم و تنها هم از دنیا می‌رویم. اینکه فکر می‌کنیم دوست و آشنا داریم توهم است چرا که هیچ کدام در نهایت تنهایی ما را بر نمی‌کنند. ما باوقت گذاردن و شلوع کردن ذهنمان است که فکر می‌کنیم دیگر تنها نیستیم. درواقع با ایجاد سر و صدا اجازه شنیده شدن سکوت را نمی‌دهیم درحالی‌که سکوت در پس همه صداها وجود دارد. تنهایی در پس همه معاشرت‌ها هست برای همین این سکوت و تنهایی چیز بدی نیست ذاتی است اما این تنهایی

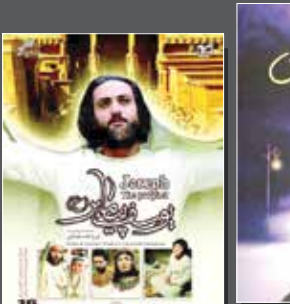
■ سادر بخش‌هایی از فیلم دیالوگ‌هایی می‌شنویم که به مرگ استادان جلیل

شهناز، پرویز یاحقی، هوشنگ گلشیری و عباس کیارستمی اشاره می‌کنند. از آنجایی که شما موسیقی ردیف می‌دانید و موسیقی ایرانی هم کار کردید در روند آهنگسازیتان با توجه به دیالوگ محور بودن فیلم و اشاره به این شخصیت‌ها نمی‌خواستید گزیری زده باشید یا الهامی گرفته باشید از موسیقی استاد شهناز و استاد یاحقی؟

من مخالف این رویکرد هستم چرا که ذهن بیننده را از فضای اصلی دور می‌کند. فرض کنید شما یک مخاطب ایرانی هستید آیا در روند فیلم تنهایی طاهر را درک نمی‌کنید؟ سعد درصد درک می‌کنید. اما در مقابل آیا شما استاد جلیل شهناز را می‌شناسید؟ به احتمال زیاد خبر. این بزرگانی که در فیلم به‌عنوان دوستان طاهر به آنها اشاره می‌شود در تاریخ ما جاودان خواهند ماند، اما به‌نظر من عزیزان سوزه جانبی هستند و من به عنوان آهنگساز نباید درساخت موسیقی این فیلم آنها را سوزه اصلی در نظر بگیرم اگر این کار را انجام دهم هم جواس خودم را پرت کرده‌ام و هم گریز نادرستی از لحاظ موسیقایی در فیلم داشته‌ام. شما به‌عنوان مخاطب، از ابتدا یعنی تیتراژ اول درگیر فیلم و فضای ساخته شده یعنی موسیقی‌ها و دنیای ذهنی طاهر می‌شوید که هم تم‌های عاشقانه و هم فضاهای کابوس گونه و ترسناک و تنهایی را دارد. بنابراین من در جایگاه آهنگساز نمی‌توانم در این فضاها ناگهان اشاره‌ای به موسیقی‌های دیگر داشته باشم چرا که آن اشارات با واضح و گل درشت هستند یا آنقدر نامواضح که کسی متوجه آنها نمی‌شود. به همین دلیل چنین بهره‌مندی از دیگر موسیقی‌ها، از لحاظ مفهوم آهنگسازی برای فیلم کاملاً اشتباه است و من هیچ وقت به سمتش نرفته‌ام.

## پیمان یزدانیاں به روایت آثارش

در کارنامه هنری خود دارد یکی از آهنگسازان شناخته شده کشورمان است که مخاطبانش او را با امضای شخصی‌اش می‌شناسند. او کار حرفه‌ای خود را از سینما آغاز کرد و سال ۱۳۷۵ در ۲۸ سالگی موسیقی فیلم «لاک پشت‌ها» به کارگردانی علی شاه‌حاتمی را ساخت و به‌دنبال آن با ساخت موسیقی سریال «یوسف پیامبر» به کارگردانی فرج‌الله سلحشور ترحل کارگردان تلویزیون را به آثارش جلب کرد. سریال «یک تکه نان» به کارگردانی کمال تبریزی دومین تجربه او در ساخت موسیقی سریال است که توانست بااین اثر در بیست و سومین جشنواره فیلم فجر در بخش سودای سیمیر بر ای جایزه سیمیر بلورین بهترین موسیقی متن نامزد شود.



■ پنجشنبه ۱ آبان ۱۳۹۹  
■ سال بیست و ششم  
■ شماره ۷۴۷۴

۱۵

موسیقی

گفت و گو با پیمان یزدانیاں آهنگساز که این مدت فیلم‌های «بنفشه آفریقایی» و «حکایت دریا» را آهنگسازی کرد

# پذیرایی به شیوه موسیقایی



اگر کلی موسیقی برای آن فیلم ساخته باشید انگار کاری نکردده‌اید. متأسفانه دیدگاه تهیه‌کنندگان برای بی‌اهمیت بودن موسیقی در فیلم به‌طور دیده می‌شود البته به غیر از ترانه که برایشان خیلی مهم است چون بواسطه آن فروش می‌کند مخصوصاً اگر تیتراژ از فلان خواننده مشهور خوانده باشد یعنی باز هم از دید محبوب شدن و فروش کردن به ترانه نگاه می‌کنند. درواقع سینمای ایران دنیای تجاری و مادی شده است در حالی‌که هالیوود که سینمای تجاری است در ۵۰ سال گذشته آنقدر مادی‌گر نبوده که امروزه سینمای روشنفکری بسیاری از کشورها دچارش شده‌اند. عامل دیگر هم حذف موسیقی از فیلم توسط فیلمسازان است درواقع آنها برای راضی کردن تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار جهت سرمایه‌گذاری اعلام می‌کنند که فیلمشان موسیقی ندارد. موضوعی که این روزها مد شده و بسیاری می‌گویند مثل فیلم‌های آقای فرهادی موسیقی نمی‌خواهیم و شباهت می‌دهند به انواع فیلم‌های اینجینی. البته این قبیل فیلم‌ها ز چهار توهم هستند که خود را هم رده آقای فرهادی می‌دانند. به‌طور کلی تصمیم‌گیری‌های غلط در مورد سینما شرایط را نامناسب کرده است.

■ چرا موسیقی فیلم «حکایت دریا» دربراک ضبط شده است؟

در ایران معمولاً به‌خاطر امکانات محدود، مجبور به ضبط جداگانه پارت‌ها هستیم. اما در خارج امکان ضبط کامل ارکستر با کیفیت بالا فراهم است. من به شخصه برخی آثارم را خارج از ایران یا در پراگ یا مقدونیه ضبط کرده‌ام چرا که با هزینه کمتر، کیفیت بسیار بالایی از ضبط آن‌هم به‌صورت یکپارچه داشته‌ام البته در حال حاضر با توجه به تورم و تبدیل نرخ یورو به ریال دیگر این امکان فراهم نیست. من معتقدم ضبط به‌صورت یکپارچه از لحاظ صدادهی، رنگ آمیزی و کنترل صداها بسیار متفاوت با ضبط بخش به بخش است ناگفته‌نماند که ما در ایران هم با همان شیوه همیشگی ضبط که هیچ وقت یکپارچه نبوده به کیفیت‌های خارق‌العاده‌ای رسیده‌ایم حتی من بسیاری از فیلم‌های خارجی که تابه‌حال کار کرده‌ام در ایران به همین شیوه ضبط کردم که کیفیتش استاندارد و قابل قبول بوده است. البته مسأله نداشتن نوازندگان خوب در یک استاندارد بالا که بتوانند کنار هم بنشینند و بدون اشتباه، کوک دقیق، موزیکالیت، سونوریت و چنس صدای خوب، ساز بزند بسیار کم داریم که برخی از آنها نیز به‌خاطر مسائل شخصی نمی‌توانند کنار هم قرار بگیرند. متأسفانه ما در ایران ارکستر منسجمی برای اجرای موسیقی فیلم و سریال نداریم درحالی‌که بسیاری از موسیقی‌فیلم‌ها و سریال‌های اروپایی و آمریکایی در پراگ، مقدونیه و رومانی ضبط می‌شوند چرا که ارکسترهای این کشورها تخصص و آمادگی بسیار بالایی برای نواختن موسیقی فیلم و سریال دارند و آهنگساز حین ضبط با این ارکسترها قادر است تصاویر را پشت سرراکتر روی پرده بزرگ ببیند به همین دلایل من هم موسیقی فیلم «حکایت دریا» را در پراگ با کیفیت عالی ضبط کردم و از این بابت بسیار خوشحالم.

من کارم آهنگسازی است نه نقد دیگران و معتقدم اگر شروع به آنالیز و نقد دیگران کنم از کارخودم باز می‌مانم. تمام همکارانم وقتی صمیمانه وعاشقانه کاری می‌کنند قطعاً کارشان خوب خواهد بود اما اینکه سلیقه فیلمسازها تغییر کرده یک واقعیت است. نه تنها سلیقه فیلمسازها بلکه متأسفانه سلیقه شنیداری مخاطبین نیز عوض شده و به‌سمت جانک فود موزیکال رفته است. مثل بچه‌هایی که دوست دارند چیپس و پفک و فست‌فود بخورند، گوش موسیقایی بیشتر آدم‌ها نیز دچار این بحران شده که موسیقی فست‌فودی دوست دارند هر چند که ساخت چنین موسیقی‌هایی اصلاً سخت نیست اما آیا شما به فرزندانتان هرآنچه او دوست دارد و لوس مضر می‌دهید؟ اگر بچه‌ها به چنین شیوه غذایی عادت کنند دیگر غذای سالم نمی‌خورند چون ذائقه‌شان تغییر کرده. در زمینه موسیقی نیز چنین است وقتی تربیت‌خوراک نامناسب به خورد مردم داده شود دیگر گوش‌هایشان به شنیدن موسیقی خوب عادت نمی‌کند.

در شرایط کنونی چند مسأله موسیقی فیلم را با مشکل مواجه کرده است اولین موضوع جنس موسیقی فیلم است که متأسفانه به سمنی رفته که نه تنها موسیقی فیلم نیست بلکه هیچ تطبیقی هم با داستان و شخصیت‌ها ندارد فقط سروصدایی است که در بعضی تصاویر منطبق است و در بسیاری خیر. دومین مسأله اهمیت قائل نبودن تهیه‌کنندگان برای موسیقی است. تهیه‌کننده می‌خواهد فیلمش را کم خرج بسازد پس موسیقی اولین چیزی است که از آن چشم‌پوشی می‌کند در چنین شرایطی آنها فقط ترانه را موسیقی می‌دانند یعنی اگر شما برای تیتراژ یا پانی یک فیلم یا سریال ترانه کار کنید یعنی برایش آهنگ ساختید و

کنترل روی همه چیز، سخت در اشتباه‌اند. مثال این گونه رفتارها این است که من به رستوران بروم و بعد از انتخاب غذایم به آشپزخانه بروم و خودم روش پخت را به سرآشپز ارائه دهم. هرچند که همه به نوعی از آشپزی سردرمی‌آورند ولی آیا موسیقی که به این طرافت هست آن هم از نوع موسیقی فیلم که بسیار تخصصی است کارگردان می‌تواند وارد موضوع شود؟ طی سالیان سال و با کسب تجربیات فراوان در زمینه آهنگسازی موسیقی فیلم، وقتی با فیلمساز صحبت‌های اولیه را برای کاری انجام می‌دهم متوجه می‌شوم این همان رفتاری است که از روی ترس، اعتماد نکردن، و اغاژ نکردن رخ می‌گیرد که این اتفاق معمولاً در مورد استادان بزرگ‌تر نه تنها آقایان کیارستمی و فرمان آرا بلکه همه استادان بزرگ فیلمسازی نمی‌افتد. خوشبختانه آقایان کیارستمی و فرمان آرا در کارشان، موسیقی را کاملاً به من سپردند و اعتماد کردند و من هم با تمام وجود هر آنچه که توانستم را آوردم. ناگفته‌نماند که هر پروژه‌ای را با فکر اینکه آخرین اثرم است با وسواس خاصی می‌سازم و سعی می‌کنم همه حرفه‌ای‌ها را در موسیقی‌ام ببان‌کنم و هیچ‌گاه فکر نمی‌کنم این اثر برای فیلم فلان استاد است یا یک جوان فیلمساز اما به‌طور کلی ساخت اثر را به فیلمسازها می‌کنم و برعکس برخی فیلمسازهای جوان که من هم با آنها کار کرده‌ام بی‌دلیل در زمینه موسیقی دخالت‌های بی‌جا می‌کنند که باعث افت کارشان می‌شود. مثال بارز این اتفاق همان جمله معروف است که آدم هرچه بختی می‌شود بارش بیشتر افتاده‌تر می‌شود. فیلمسازهای جوانی که تصور بزرگ بودن دارند که البته شاید هم باشند وقتی فکر می‌کنند تسلط داشتن یعنی

■ متأسفانه برخی دخالت‌ها در کار آهنگساز باعث آسیب زدن به موسیقی فیلم شده است به گونه‌ای که طی سال‌های اخیر شاهد موسیقی‌های فیلم با کیفیت پایین‌تری هستیم.

«یک‌تنگان» به کارگردانی رامین یجرانی، «آب و آتش» به کارگردانی فریدون جیرانی، «از کنار هم می‌گذریم» به کارگردانی ایرج کریمی، «ایستگاه متروک» به کارگردانی علیرضا رئیس‌یان، «پرنده باز کوچک» به کارگردانی ربه‌قرقری، «شب‌های روشن» به کارگردانی فرزاد مؤتمن، «فرش باد» به کارگردانی کمال تبریزی، «گاهی به آسمان نگاه کن» به کارگردانی کمال تبریزی، «رسم عاشق کشی» به کارگردانی خسرو معصومی، «سربازهای جمعه» به کارگردانی مسعود کیمیایی، «طلای سرخ» به کارگردانی جعفر پناهی، «یک تکه نان» به کارگردانی کمال تبریزی، «مرزعه‌پدري» به کارگردانی رسول ملاقلی‌پور، «چهارشنبه‌سوری» به کارگردانی اصغر فرهادی، «جایی در دور دست» به کارگردانی خسرو معصومی، «کارگران مشغول کارند» به کارگردانی مانی حقیقی، «پادش اسکوت» به کارگردانی مازیار میری، «چندر روز

